یادداشت

تصمیم‌های سخت در روزهایی سخت‌تر

ادامه از صفحه اول

چنان‌که حتی کسانی که مردم را به رأی‌دادن به آقای پزشکیان ترغیب و تشویق می‌کردند، نه‌فقط پیش‌بینی، بلکه حتی آرزوی تک‌دوره‌ای‌شدن دوره ریاست‌جمهوری ایشان را می‌کنند (آزاد ارمکی- ۱۴۰۴/۸/۳۰) مسئله و مشکل این گروه نسبتا وسیع از منتقدان با دولت چهاردهم و رئیس دولت آن، بی‌عملی و بدعملی و گفتاردرمانی و... است. اینکه مثلا دائما از مردم و کارشناسان و... درخواست همکاری و ارائه راه‌حل شود اما مشخص نباشد که قرار است «چه چیزی را حل کنند؟ و با کدام قدرت» (همان) یا مثلا رئیس دولت در ستاد تنظیم بازار که یکی از مهم‌ترین مراکز سیاست‌های دستوری و سرکوب قیمت‌هاست، تندترین نقدها را به اقتصاد دستوری وارد و عنوان کند که «اقتصاد با دستور اداره نمی‌شود» (۱۴۰۴/۳/۹) اما هیچ راهکاری هم ارائه نکند که پس اقتصاد و کار و زندگی مردم «با چه سازوکاری باید اداره شود؟ برنامه چیست؟ اولویت‌ها کدام است؟ و جدول زمان‌بندی کجاست» (جوان- ۹/۳). رفتار و گفتاری که به نوشته مقاله‌نویس این روزنامه اصولگرا «بیشتر باعث به‌هم‌ریختن روان جامعه می‌شود چراکه به‌جای این حرف‌ها باید در میدان، مشکلات را رفع کرد». محافظه‌کاری و ضعفی که از منظر اصلاح‌طلبان، موجب آسیب جدی به انگاره «اصلاح از درون»، اعتماد و سرمایه اجتماعی، وحدت، انسجام و همبستگی ملی، تضعیف امنیت و اقتدار ملی و... خواهد شد (فرارو- ۹/۸).

۲- به نظر می‌رسد چنانکه نگارنده قبلا نیز اشاره کرده بود، «اقتصاد و سیاست در ایران، گرفتار تعادل ترس شده است. تعادلی که تحت تأثیر آن «تصمیم‌گیرنده وقتی جای پای خودش را محکم نبیند، خودبه‌خود به بی‌عملی رو می‌آورد. اگر هم به اجبار قرار است اقدامی صورت دهد، در نهایت یک بار در مورد یک ناترازی در یک یا حتی دو دوره ریاست‌جمهوری به آن تن می‌دهد...» (مسعود نیلی - ۱۴۰۳/۶/۳). تعادلی که برآمده از محافظه‌کاری سیاسی، ترس از هزینه‌های اجتماعی در کوتاه‌مدت، ساختار بوروکراتیک ناکارآمد، نبود اجماع میان نهادهای تصمیم‌گیر و فقدان اعتماد عمومی است. نمونه مشخص آن طرح اخیر برای افزایش قیمت بنزین است. چنانکه از یک سو آقای پزشکیان بارها از بی‌عدالتی در قیمت بنزین و هدررفت و مصرف بی‌رویه و کسری بودجه دولت و... سخن گفته و از واردات چهار و شش میلیاردی این محصول و توزیع آن به قیمت مفت بین طبقات برخوردار فریاد سر داده و از سوی دیگر طرحی ارائه داده که نه‌فقط هیچ‌یک از این بحران‌ها را حل نمی‌کند و موجب کاهش تقاضا و بهینه‌سازی و مدیریت مصرف و جلوگیری از قاچاق و عدالت در توزیع یارانه انرژی و... نخواهد شد و هیچ ارجاعی به اصلاحات کلان اقتصادی و اصلاح سیاست‌های صنعتی و سیاست خودروسازی و... نمی‌دهد، بلکه هزینه‌هایی مانند کاهش سرمایه اجتماعی، را به دنبال خواهد داشت. تنها آورده این طرح، حداکثر ۱۰۰ هزار میلیارد تومان منابع مالی خواهد بود که در کوران تورم ۵۰درصدی (مرکز آمار- ۱۴۰۴/۹/۵) دود خواهد شد و به هوا خواهد رفت. تورم افسارگسیخته‌ای که طاقت مردم را طاق کرده و علت آن اگرچه رشد نقدینگی و افزایش پایه پولی و... است اما در پس آن «تعاملات قدرت، منافع گروهی و ضعف نهادی در نظام حکمرانی است... ائتلاف تورمی میان نهادهای شبه‌دولتی، بدهکاران بزرگ و رانت‌جویان ارزی که مانع اصلاحات پایدار می‌شوند» (اقتصاد سیاسی تورم، دکتر مهدی عسلی - ۱۴۰۴/۹/۲).

۳- عجم اوغلو و رابینسون در «راه باریک آزادی» از دولت‌هایی نام می‌برند که نهاده ناچیزی از مردم دریافت می‌کنند و در مقابل آنان نیز پاسخ‌گو نیستند و قیدوبند اخلاقی چندانی در محدودیت آنان ندارند. از آن سو، شهروندان نیز نقش دولت را به عنوان داور مرافعات، اعمال‌کننده قانون و فراهم‌آورنده خدمات عمومی کمتر می‌پذیرند. این دولت‌ها کمتر تلاشی برای خلق آزادی یا کاستن از هنجارهای مغایر آن به خرج می‌دهند و همچنین ظرفیت زیادی برای ایجاد فرصت‌ها و انگیزه‌های اقتصادی مبتنی بر قانون، امنیت و خدمات عمومی مؤثر به عنوان ضرورت‌های رشد اقتصادی ندارند. نتیجه آنکه چنین دولت‌هایی اقتصادی با سازماندهی ناکارآمد و رشدهای اندک به نمایش می‌گذارند. به باور این اقتصاددانان برنده جایزه نوبل، گذار از این دولت‌ها نیازمند وضعیتی است که فرصت‌ها و انگیزه‌های لازم بر خلاقیت و نوآوری از طریق «نهادهای اقتصادی فراگیر» تأمین شود که این نهادهای اقتصادی فراگیر در صورتی امکان بقا خواهند داشت که به واسطه «نهادهای سیاسی فراگیر» مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند. نهادهایی که نمی‌گذارند «قدرت سیاسی به انحصار بخش کوچکی از جامعه درآید و در عین حال دولت نیز قادر به اجرای قوانین باشد». اگر بپذیریم در شرایط اضطراری به سر می‌بریم و ادامه این مسیر به منزلگاه بسیار خطرناکی ختم می‌شود که بی‌شک چنین است و حتی رئیس دولت نیز بارها بر آن تأکید کرده است، می‌بایست برنامه اضطراری داشته باشیم؛ بسته کلانی مبتنی بر کاهش تنش‌های بین‌المللی و رفع تحریم‌ها، آزادی و رقابت اقتصادی و کاهش محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی. بسته و برنامه‌ای که شجاعت دولت برای اتخاذ تصمیم‌های بزرگ، شفاف و قاطع مبتنی بر خیر و منفعت عمومی و نه گروه‌های ذی‌نفع خاص را به نمایش گذارد. عقل سلیم و تجارب جهانی نشان می‌دهد آن اقداماتی مورد استقبال جامعه قرار می‌گیرد که چشم‌انداز روشن و نتیجه‌محور داشته باشد، وگرنه از تعدادی کارهای حاشیه‌ای مانند مدرسه‌سازی و محله‌محوری و... در شرایطی که هر روز بر علم‌گریزان و مهاجرت دانش‌آموزان و دانشجویان و نخبگان به خارج افزوده یا از محله‌محوری مثلا در شهری مانند تهران که خود رئیس دولت از انتقال آن سخن می‌گوید یا شهر تاریخی که در حال فرونشست است (اصفهان) یا کل استان‌هایی که در دود و آلودگی غرق شده‌اند و... کدام سرمایه اجتماعی تولید می‌شود که پایگاه دولت مستقر باشد؟ مشارکت جامعه در امور شهر و کشور و ایجاد تشکل‌های مدنی و صنفی امری بسیار مهم و حیاتی و... است اما مشروط بر آنکه هم‌زمان به اقتدار دولت بینجامد. دولتی که بداند دارد چه می‌کند و قرار است به کجا برود و نه آنکه دولتی باشد روی کاغذ! یادمان باشد «شکل‌گیری آزادی نیازمند وجود دو عنصر: حکومت قوی و جامعه‌ای قوی است؛ راه باریک آزادی، توازن میان این دو است» (راه باریک آزادی).

خبر

سرنوشت سهمیه بنزین نوشماره‌ها روی میز دولت

با تشکیل کارگروهی متشکل از وزارتخانه‌ها و نهادهای اقتصادی و امنیتی، تعیین زمان و شیوه حذف سهمیه بنزین خودروهای نوشماره به مرحله بررسی کارشناسی رسیده است. به گزارش ایسنا، با وجود اینکه دولت چهاردهم سیاست‌های جدید بنزینی را با هدف مدیریت مصرف و کاهش واردات سوخت دنبال می‌کند، تصمیم اخیر درباره حذف سهمیه بنزین خودروهای نوشماره با پرسش‌ها و انتقادهایی همراه شده است. محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، اعلام کرده که خودروهای نوشماره یعنی خودروهایی که برای نخستین‌بار شماره‌گذاری می‌شوند، در اولویت بررسی برای حذف سهمیه ۶۰ و صد لیتری قرار دارند. این موضوع نه‌تنها به خودروهای صفر داخلی مربوط است، بلکه خودروهای مناطق آزاد، خودروهای وارداتی و حتی خودروهای دولتی نیز در مدل جدید لحاظ شده‌اند. با این حال، به دلیل اینکه هنوز زمان و شیوه اجرای این تصمیم مشخص نشده، برخی کارشناسان معتقدند مصرف‌کنندگان در وضعیت انتظار و بی‌اطمینانی قرار گرفته‌اند؛ موضوعی که می‌تواند بازار خودرو را تحت تأثیر قرار دهد. دولت استدلال می‌کند با افزایش مصرف بنزین که در برخی مقاطع به بالای ۱۹۰ میلیون لیتر در روز رسید، حفظ وضع موجود نه اقتصادی است و نه پایدار. معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به هزینه ۶۰سنتی واردات بنزین گفته راهبرد اصلی دولت «واردات صفر» است؛ بنابراین اصلاحات در سهمیه‌گذاری برخی خودروها، بخشی از سیاست مدیریت مصرف به شمار می‌رود. با وجود تأکید دولت بر ضرورت اصلاح، حذف سهمیه بنزین خودروهای نوشماره چند نکته را به همراه دارد. با حذف سهمیه، هزینه استفاده از خودروهای نو افزایش می‌یابد و ممکن است بخشی از خریداران به‌جای خودروهای جدید به سمت خودروهای کارکرده حرکت کنند؛ روندی که می‌تواند نوسازی ناوگان را کُند کند.

کارشناسان می‌گویند بحران آب در ایران و کاهش شدید بارش‌ها ناشی از مدیریت ناکارآمد منابع آب و اداره گران کشور بوده است

خشک‌سالی دست‌ساز

شرق: بیش از ۶۰ درصد تالاب‌های کشور و بسیاری از رودخانه‌های پرآب کشور خشکیده‌اند و اضافه برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی سبب فرونشست گسترده دشت‌های کشور شده است. امسال بحران آب به خشک‌سالی تکان‌دهنده رسیده اما بسیاری از متولیان آن را به نوعی پدیده طبیعی جلوه می‌دهند، این در حالی است که کارشناسان معتقدند خشک‌سالی کم‌سابقه کشور پدیده‌ای دست‌ساز و انسان‌ساز است.

ایران روی خط قرمز آب

براساس گزارش وزارت نیرو در سال ۱۳۹۴ مجموع منابع آب تجدیدپذیر ایران حدود ۱۲۰ میلیارد متر مربع، با ۹۷ میلیارد متر مربع آب‌های سطحی و ۲۳ میلیارد متر مربع منابع تغذیه آب زیرزمینی بود. به دلیل استفاده بیش از حد، آب موجود واقعی کاهش یافته است. گزارش‌های سال ۱۳۹۹ نشان داد آب تجدیدپذیر به حدود صد میلیارد متر مکعب در سال کاهش داشت. مجموع منابع آب تجدیدپذیر ایران (آب‌های سطحی و زیرزمینی) از نظر تاریخی حدود ۱۳۰ میلیارد متر مکعب در سال تخمین زده می‌شد، اما به دلیل خشک‌سالی‌های طولانی‌مدت، تغییرات اقلیمی و استخراج بیش از حد (به‌ویژه پس از سال ۱۳۸۰) به صد میلیارد متر مکعب در سال و طی پنج سال اخیر به مقادیر حدود ۸۰ تا ۹۰ میلیارد متر مکعب در سال کاهش داشت.

اضافه‌برداشت هشداردهنده منابع زیرزمینی آب در شرایطی رخ می‌دهد که براساس برنامه هفتم توسعه باید میزان برداشت آب از منابع زیرزمینی به حدود ۳۶.۷ میلیارد متر مکعب برسد. از آن سو برداشت بیش از ۱۵۰ میلیارد متر مکعب در چند دهه گذشته از منابع آب زیرزمینی باعث شده براساس اعلام سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور، از ۶۰۹ محدوده مطالعاتی دشت‌های کشور، حدود ۴۰۰ دشت درگیر فرونشست شوند و از این تعداد نزدیک به ۱۴۰ دشت در وضعیت بحرانی قرار دارند. براساس گزارش سازمان نقشه‌برداری کشور، میانگین نرخ فرونشست زمین در جهان سالانه سه سانتی‌متر است اما در ایران متوسط نرخ فرونشست زمین حدود پنج برابر و ۱۵ سانتی‌متر در سال است. این در حالی است که نرخ فرونشست زمین در نقاطی از ایران مانند کرمان سالانه به حدود نیم‌متر می‌رسد. گذشته از این، بخش زیادی از آب‌های جاری کشور یعنی رودخانه‌های بزرگ کشور مانند کرخه، کارون، زاینده‌رود، هیرمند، سفیدرود، کشکان و... از نفس بیفتند. همچنین طبق برآوردهای سازمان حفاظت محیط زیست، بیش از ۶۰ درصد از تالاب‌های ایران یا خشک شده‌اند یا کمتر از نیمی از ظرفیت آبی خود را دارند. ازجمله تالاب‌های بحرانی می‌توان به گاوخونی، هامون، بختگان، پریشان و جازموریان اشاره کرد که عملا از چرخه حیات طبیعی خارج شده‌اند. نبود ورودی آب، برداشت‌های بی‌رویه و افت سطح آب زیرزمینی از مهم‌ترین دلایل این وضعیت است. این وضعیت بحرانی آب سبب شده است بارندگی در سال آبی جاری کاهش نگران‌کننده داشته باشد و این نگرانی به تأمین آب آشامیدنی شهروندان برسد. براساس داده‌های سازمان هواشناسی، از ابتدای فصل جاری تا ۷ آذرماه بارش با میانگین ۳.۹ میلی‌متر ثبت شده که در مقایسه با بارش ۳۳.۵ میلی‌متری در بلندمدت با ۸۸.۳درصدی کاهش بارش مواجه هستیم. جدول اطلاعات پهنه‌ای بارش استان‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهرماه سال گذشته) نشان می‌دهد بارش در همه استان‌ها کمتر از حد نرمال بوده است و در این زمینه چهار استان بوشهر، خراسان جنوبی، قم و یزد بدترین وضعیت را تجربه می‌کنند، چراکه صد درصد کمتر از حد نرمال طی سال آبی جاری بارش دریافت کرده‌اند. استان تهران هم ازجمله استان‌هایی است که با کم‌بارشی روبه‌رو بوده است. درحالی‌که میانگین بارش تهران در بلندمدت ۴۶.۹ میلی‌متر است ولی در سال آبی جاری فقط به طور میانگین ۱.۲ میلی‌متر بارش دریافت کرده است که نشان‌دهنده کاهش ۹۷.۴درصدی بارش در این استان است. همچنین آخرین گزارش‌ها از وضعیت مخازن سدهای مهم کشور، حاکی از آن است که میزان پرشدگی سدهای مهم فقط ۳۲ درصد است. براساس آمار وزارت نیرو میزان ورودی مخازن کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا هشتم آذرماه معادل ۲.۳۳ میلیارد متر مکعب بوده که در قیاس با سال گذشته که عددی معادل ۳.۷۸ میلیارد مترمکعب بوده، ۳۸ درصد کاهش داشته است.

همچنین میزان کل خروجی سدهای کشور نیز در مقایسه با سال قبل با ۲۴ درصد کاهش مواجه بوده است. حجم آب موجود مخازن اکنون ۱۶.۷۲ میلیارد مترمکعب ثبت شده که این عدد در مقایسه با سال قبل که عددی معادل ۲۲.۷۱ میلیارد متر مکعب بوده، ۲۶ درصد کاهش یافته است. همچنین حجم پرشدگی سدهای کشور نیز تا این تاریخ ۳۲ درصد است.

وضعیت برخی از سدهای مهم کشور بیانگر این است که در ۱۶ سد درصد پرشدگی کمتر از ۱۰ درصد است، به طوری که سد لار، امیرکبیر و لتیان-ماملوی استان تهران، سد دوستی و طرق خراسان رضوی، سد پانزده خرداد حوضه قمرود، سد لومان آذربایجان غربی، سد استقلال و شمیل و نیان استان هرمزگان، سد سفیدرود استان گیلان، سد نهم استان زنجان، سد نسای کرمان، سد تنگوئه سیرجان استان کرمان هشت درصد، سد رودبال داراب استان فارس کمتر از ۱۰ درصد آب دارند.

اما بحران آب در ایران بنا بر گفته کارشناسان بحران دست‌ساز است. بیش از ۸۰ درصد منابع آب کشور در کشاورزی سنتی و آب‌بر استفاده می‌شود و بسیاری از صنایع آب‌بر کشور در مناطق مرکزی و کم‌آب کشور مستقر شده‌اند. همچنین در بخش مصرف خانگی هم بنا بر اعلام وزارت نیرو چیزی حدود یک‌سوم آب خانگی حین تولید و توزیع هدر می‌رود. علاوه‌براین طرح‌های غیرکارشناسی مانند سدسازی بی‌رویه، انتقال نادرست آب و حفر بیش از حد چاه باعث فشار سنگین به منابع آب کشور شده است.

پیش‌ازاین علی بیت‌اللهی، عضو هیئت‌علمی مرکز تحقیقات راه و شهرسازی، به «شرق» گفته بود براساس آمار در دسترس، تعداد کل چاه‌های آب موجود در ایران، یک میلیون‌و ۲۴هزارو ۲۵۷ حلقه چاه است که از آن میان ۸۰ درصد از آنها در بازه زمانی سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۹۶ حفر شده‌اند.

محمد درویش، کارشناس منابع آب، به «شرق» می‌گوید بحران آب در ایران بحران دست‌ساز است. او توضیح می‌دهد واقعیت این است که «ایران در نیم‌کره شمالی و در بخش فراخشک، خشک و نیمه‌خشک قرار گرفته است و خشک‌سالی همواره یکی از دغدغه‌های مردم ایران در چند هزار سال گذشته بوده، اما واقعیت این است که مدیریت پرهزینه و اداره گران کشور سبب شده است ایران از آن چیزی که ماهیت طبیعی آن است، خشک‌تر شود. وقتی رویشگاه‌های جنگلی، مراتع و پهنه‌های آبی را نابود می‌کنیم، ایران خشک‌تر از آنچه هست می‌شود و دیگر ابرهای باران‌زا کانون رطوبت و بخار را در اختیار ندارند و بارش کمتر می‌شود و بارش‌ها به‌جای آنکه به صورت برف باشند، به صورت باران می‌بارند و یخچال‌های کوهستانی کشور خشک می‌شوند».

او تأکید می‌کند مدل توسعه اقتصادی کشور نادرست بوده است و درآمد کشور از کالای غیرقابل تولید آب به شکل محصولات کشاورزی یا صنعتی بوده است. این در حالی است که ایران در زمینه تولید انرژی، گردشگری و ترانزیت و... مزیت اقتصادی داشته، اما راه را به اشتباه رفته است.

به گفته این کارشناس چنان‌که نقشه راه اقتصاد کشور اصلاح شود و فشار بر منابع آب کاهش یابد، تالاب‌ها، رودخانه‌ها و منابع آب کشور می‌تواند حدود یک دهه اصلاح و احیا شود.

دگماتیسم در گفتمان آب و توسعه ایران

عیسی بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب کشور: بحران آب در ایران، فراتر از کمبود یک مایع حیاتی، بازتاب واپس‌نشینی خرد و اندیشه در برابر پیچیدگی نظام‌های طبیعی و اجتماعی است. این بحران، نمود آشکار جزم‌اندیشی در دستگاه تصمیم‌گیری است و نشان می‌دهد چگونه نقشه‌های ذهنی، از سرزمینی که بر آن حکم می‌رانند، جدا افتاده‌اند. تصویر توسعه، در قالب غلبه بر طبیعت، با واقعیت شکننده اقلیم ایران ناسازگار مانده و از این گسست، سه‌گانه ذهن بسته، نهاد قفل‌شده و فرهنگ اسطوره‌ای سر برمی‌آورد؛ سه لایه‌ای که مانند تاروپود درهم‌تنیده، حکمرانی را در بند جزم‌اندیشی نگه داشته‌اند. گذار از این چرخه، نه با یک اقدام فنی، بلکه فقط با دگرگونی ژرف در نظام دانایی و تخیل جمعی ممکن است؛ آن‌گونه که خرد جمعی و سرزمین با هم پیوند دوباره یابند. گریگوری بیتسون هشدار می‌دهد بحران زمانی آغاز می‌شود که نقشه‌های ذهنی از سرزمین جدا افتند و تجربه ایرانی در آب و توسعه، مصداق بارز این سخن است؛ ذهنیتی که توسعه را در قالب تسلط بر طبیعت می‌فهمد، در برابر سرزمینی خشک، شکننده و پیچیده، ناگزیر شکست می‌خورد. تشدید خشک‌سالی، فرسایش منابع و تغییرات اقلیمی، این گسست را ژرف‌تر و ماندگارتر کرده‌اند. در دل این شکاف، سه‌گانه جزمیت پدیدار می‌شود؛ ذهنی در طلب قطعیت، نهادی در مدار تثبیت و تکرار و فرهنگی که اسطوره قهرمان آب‌آور را بازتولید می‌کند؛ اما این قهرمان، برخلاف چهره اسطوره‌ای‌اش، امروز دیگر همان تدبیرگر دوراندیش و پاسدار تعادل میان انسان و سرزمین نیست، بلکه به مهندس سازه‌محور بدل شده است. در ساحت ذهن، نظریه نیاز به بستار که کروگلانسکی مطرح کرده، انسان را به سوی آرامش در پاسخ‌های قطعی می‌کشاند. در حکمرانی آب ایران، این نیاز ذهنی به شکل مهندسی‌زدگی تفکر جلوه کرده است؛ ذهنی که پیچیدگی‌های رفتار اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناختی را کنار می‌گذارد و توهم اطمینان را جایگزین فهم شبکه‌های ظریف تعاملات می‌کند. سوگیری تأییدی، این نظم ذهنی را تحکیم می‌کند؛ موفقیت‌ها برجسته و شکست‌ها کم‌رنگ جلوه می‌کنند و پیامدهای ناخواسته نادیده انگاشته می‌شوند. اریک فروم این میل ناخودآگاه به پناه‌بردن در دام قطعیت‌ها را «گریز از آزادی» می‌نامد. ذهن بسته، نه از جهل، بلکه از ترس انسان از مواجهه با ابهام و پیچیدگی سر برمی‌آورد و در برابر سردرگمی جهان، خود را در آغوش قطعیت پناه می‌دهد اما ذهن فقط بخشی از این معماست؛ نهادها این ذهنیت را بازتولید و تثبیت می‌کنند. پی‌یر بوردیو می‌گوید گفتمان مسلط هر میدان اجتماعی از طریق صاحبان سرمایه نمادین شکل می‌گیرد و در ایران، سرمایه نمادین مهندسی چنان ریشه دوانده که رویکردهای حکمرانی‌محور، اجتماعی یا بوم‌شناختی به حاشیه رانده و «غیرفنی» انگاشته می‌شوند؛ گویی فنی‌بودن، خود معیار حقیقت است. این انحصار، بازتاب رابطه پیچیده قدرت و دانایی است که میشل فوکو آن را شرح داده است؛ قدرت نه از طریق فرمان، بلکه از طریق تعریف پرسش‌های مشروع اعمال می‌شود. وقتی پرسش مسلط این است که چگونه می‌توان آب بیشتری تأمین کرد، پرسش بنیادین، یعنی اصلاح الگوهای بهره‌برداری، مدیریت تقاضا و بازاندیشی حکمرانی به فراموشی سپرده می‌شود. دستگاه حکمرانی در این ساختار به سوی توسعه نمایشی گرایش می‌یابد؛ پروژه‌های عظیم، با وجود آثار جانبی، به سبب قابلیت نمایش، بر اصلاحات خُرد و مؤثر برتری می‌یابند.

در زمینه فرهنگی و اسطوره‌ای، این روند پیوسته است. مری داگلاس یادآور می‌شود جامعه، جهان را از خلال نمادها و الگوهای از پیش تعریف‌شده می‌فهمد. در فرهنگ ایرانی، اسطوره قهرمان آب‌آور ریشه‌ای کهن دارد؛ از کیخسرو و روایت‌های شاهنامه تا مهندسان گمنام قنات‌ها و شبکه‌های پیچیده آب‌رسانی که قرن‌ها پیش از مدرنیته بر پایه فهم ژرف اقلیم و پایداری ساخته شده‌اند. قهرمان آب، نه فاتح طبیعت، بلکه پاسدار تعادل میان انسان و سرزمین بود. اما در دوران مدرن، این روایت دگرگون و قهرمان به مهندس سازه‌محور بدل شد؛ اسطوره‌ای که غلبه بر طبیعت جایگزین تدبیر و تعادل شده است. این جابه‌جایی نمادین، نقش دولت را نیز دگرگون کرده است؛ دولت به‌جای تنظیم‌گری روابط پیچیده، مجری پروژه‌های عظیم و نمایشی شده است. جیمز اسکات این میل به ساده‌سازی را «دیدن مانند یک دولت» می‌نامد؛ گرایشی که جهان را از خلال طرح‌های کلان، کم‌جزئیات و قابل اندازه‌گیری می‌نگرد و خرد و ظرافت‌های بومی را فرومی‌گذارد. تخیل اسطوره‌ای نه‌تنها گذشته، بلکه آینده را نیز شکل می‌دهد و خودتحقق‌بخشی نهادی ایجاد می‌کند؛ آینده‌ای که در آن سازه جای حکمرانی و نمایش جای پایداری را گرفته است.

گشودن این چرخه، در گرو بازگشت به اصل خطاپذیری است؛ همان اصل فروتنی که کارل پوپر به آن تأکید کرده است. پیشرفت از مسیر اطمینان مطلق حاصل نمی‌شود، بلکه از پذیرش امکان خطا و اصلاح مستمر زاده می‌شود. در سطح ذهنی، این گذار به معنای عبور از مهندسی‌زدگی و گرایش به میان‌رشته‌ای‌نگری است؛ تربیت متخصصانی که در عین تسلط بر یک حوزه، توان گفت‌وگو با علوم اجتماعی، اقتصاد، بوم‌شناسی و سیاست را داشته باشند. در سطح نهادی، بازتعریف مأموریت دستگاه‌های آب از «تأمین آب» به «تأمین امنیت آبی» ضرورت می‌یابد؛ نهادی که ارزیابی مستقل و پاسخ‌گویی مؤثر را ممکن کند و سیاست‌ها را از نمایش به کارآمدی واقعی برگرداند. در سطح فرهنگی، بازتعریف قهرمان آب‌آور، او را نه سازنده سازه، بلکه سامان‌دهنده فرایندها و مشارکت‌های اجتماعی می‌سازد. توسعه در این معنا، نه افزودن بر طول تونل‌ها و ارتفاع سدها، بلکه ارتقای ظرفیت حکمرانی و توان مدیریت پیچیدگی است.

بحران آب ایران، در بنیاد، بحران معرفت، نهاد و فرهنگ است؛ سه‌گانه‌ای که چرخه‌ای خودتقویت‌کننده پدید آورده و تصمیم‌گیری را به سوی ساده‌سازی مخرب سوق می‌دهد. گشودن این چرخه فقط زمانی میسر است که نقشه‌های ذهنی بار دیگر با سرزمین واقعی پیوند یابند؛ زمانی که فروتنی معرفتی، پذیرش تکثر و جسارت مواجهه با پیچیدگی جایگزین قطعیت‌طلبی شود. آینده آب ایران از مسیر جامعه‌ای گشوده، مشارکتی و اندیشه‌ورز می‌گذرد؛ جامعه‌ای که خرد جمعی و گفت‌وگو بر جزمیت مقدم است و سرزمین و انسان در همزیستی پایدار، نفس می‌کشند.

گزارش

آتش‌سوزی جنگل‌ها، خاک آلی کشور را هم در کنار درختان از بین برد

معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی گفت: آتش‌سوزی جنگل‌ها درختان بسیاری را می‌سوزاند اما کسی نمی‌پرسد این آتش‌سوزی چه بلایی سر خاک آلی که طی میلیون‌ها سال تشکیل شده است، می‌آورد.

به گزارش مهر، روز گذشته ۱۰ آذر ۱۴۰۴ همایش برنامه زمان‌بندی سمپوزیوم بین‌المللی «خاک سالم و مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز شهری» به مناسبت روز جهانی خاک در محل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور برگزار شد.

صفدر نیازی‌شهرکی، معاونت امور آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی، در این مراسم گفت: گرامیداشت روز جهانی خاک در ایران بیش از یک دهه سابقه دارد.

او با تأکید بر اینکه باید مسئله تغییر اقلیم را جدی گرفت، افزود: میزان بارش از ۲۳۰ میلی‌متر در سال به حدود ۱۴۰ میلی‌متر رسیده است. در نتیجه این کاهش بارش، سهم آب بخش کشاورزی از ۷۰ میلیارد مترمکعب به حدود ۴۰ میلیارد مترمکعب رسیده که مشخص نیست همین مقدار هم تأمین شود.

او ادامه داد: در آتش‌سوزی جنگل‌ها، درختان بسیاری را از دست دادیم اما کسی نمی‌پرسد این آتش‌سوزی‌ها چه بلایی سر خاک می‌آورد؟ چقدر خاک در این آتش‌سوزی از بین رفت؟ خاک غنی و آلی که طی میلیون‌ها سال تشکیل شده بود.

این مسئول دولتی با بیان اینکه هنوز کشور به شکل جدی به موضوع خاک ورود نکرده است، تصریح کرد: به معضلات و چالش‌های خاک از شوری، تغییر کاربری، آلودگی خاک و... که برای خاک ایجاد کرده‌ایم، توجه جدی نداریم.

نیازی‌شهرکی عنوان کرد: ارزش خاک برای زندگی، تولید آب و... مسئله مهمی است و امروز کشور به دلیل تغییرات اقلیمی با بحران آب مواجه است. درحالی‌که کشورهای دیگر در این زمینه ورود جدی داشته‌اند؛ به عنوان مثال، ژاپن دستگاهی ساخته که با حداقل آب افراد استحمام می‌کنند.

او گفت: نیاز شرب به تغییر اقلیمی توجه ندارد و باید به این موضوع توجه داشت.

معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی با تأکید بر اینکه باید تغییر اقلیم شکافته شود و آثارش روی آب و خاک سنجیده شود، یادآور شد: در این راستا باید از هوش مصنوعی کمک گرفت و اعتبار در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور تخصیص داده شود. او با اشاره به داده مکان‌محور اظهار کرد: زمانی می‌توانیم مشکلات کشاورزی را حل کنیم که از داده‌های مکان‌محور استفاده کنیم. امروز از هوش مصنوعی هم باید برای رفع چالش‌ها کمک بگیریم تا به اهداف تعیین‌شده در این شرایط دست پیدا کنیم.

نیشکر ایستاده بر عهد سبز؛

دکتر ناصری: برداشت سبز اولویت قطعی شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی است

در آیین افتتاحیه شکرستان ۱۴۰۴، مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی با تأکید بر «عهد سبز» این صنعت اعلام کرد: برداشت سبز به اولویت قطعی مزارع نیشکر تبدیل شده است؛ رویکردی که هم‌زمان با بلوغ فرهنگی شکرستان، نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و حرکت به‌سوی کاهش کامل آتش‌زنی مزارع است.

در آیین افتتاحیه شکرستان ۱۴۰۴، مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی با تأکید بر «عهد سبز» این صنعت اعلام کرد: برداشت سبز به اولویت قطعی مزارع نیشکر تبدیل شده است؛ رویکردی که هم‌زمان با بلوغ فرهنگی شکرستان، نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و حرکت به‌سوی کاهش کامل آتش‌زنی مزارع است.

به گزارش روابط‌عمومی شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، دکتر عبدعلی ناصری، مدیرعامل این شرکت، روز پنجشنبه در آیین افتتاحیه پنجمین جشنواره «شکرستان» اعلام کرد: این رویداد به مرحله بلوغ فرهنگی رسیده و به محفلی پایدار برای نمایش ظرفیت‌های هنری، گردشگری و صنایع دستی خوزستان تبدیل شده است.

او در سخنان خود با قدردانی از مهمانانی که «۶۰ کیلومتر مسیر» را برای حضور در جشنواره طی کرده‌اند، تأکید کرد: این استقبال نشان می‌دهد شکرستان امروز فراتر از یک رویداد محلی و به بستری برای هم‌افزایی فرهنگی و حمایت از هنرمندان و صنعتگران روستاهای پیرامونی تبدیل شده است.

دکتر ناصری گفت: شکرستان هر سال فضایی فراهم می‌کند که اقوام مختلف، هنرمندان، صنعتگران و فعالان فرهنگی دور هم جمع شوند و ظرفیت‌های مغفول‌مانده منطقه به نمایش گذاشته شود.

در بخشی از سخنانش، مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی به موضوع آلودگی هوا و تغییر رویکرد در برداشت محصول اشاره کرد. به گفته او، با تأکید استاندار خوزستان، امسال حدود ۲۲ درصد از مزارع به‌صورت سبز برداشت شده است و شرکت متعهد است این روند را گسترش دهد.

او افزود: اولویت ما برداشت سبز است و تا جای ممکن اجازه نمی‌دهیم آتش‌زنی مزارع انجام شود. اگرچه در شرایط خاص برداشت سنتی اجتناب‌ناپذیر است، اما هدف‌گذاری ما حذف کامل این روش در سال‌های آینده است.

دکتر ناصری تأکید کرد: توسعه نیشکر نقش مهمی در اقتصاد و محیط‌زیست جنوب کشور دارد و حرکت به سمت برداشت سبز، بخشی از مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی این صنعت است.